

تبیین پیامدهای مرگ‌اندیشی از منظر آموزه های اسلامی در برابر رویکردهای روانکاوی و هستی‌گرایانه در روانشناسی

مریم احمدی

دانشجوی دکتری مدرسی معارف، منابع و متون اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دکتر ناهید مشائی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

mashaee-n@um.ac.ir

دکتر حمیدرضا آقا محمدیان شعرباف

استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مرگ‌اندیشی و به تبع آن، مرگ‌هراسی، از دیدگاه روانشناسان دنیانگر، عواقب ناگواری همچون پوچ‌انگاری، تشویش، افسردگی و یأس به همراه دارد. درمقابل، آخرت‌گرایان بر این باورند که مرگ‌اندیشی پیامدهایی چون هدفمندی زندگی، رهایی از نیست‌انگاری و تنبّه را در پی خواهد داشت و نقش مؤثری در خردورزی و اصلاح بینش و کنش فرد ایفا می‌کند. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی مفهوم مرگ، تأثیر مرگ‌اندیشی و ارتباط مستقیم آن با مرگ‌هراسی در ابعاد بینشی و رفتاری و همچنین تأثیرگذاری آن در سبک زندگی فردی و اجتماعی از منظر قرآن و حدیث می‌پردازد. این بررسی با روش تحلیلی-اسنادی و از طریق مطالعه و تبیین منابع، مورد واکاوی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که قرآن و حدیث، با ترسیم جهان پس از مرگ به روش‌های متعدد، نگرش انسان در مواجهه با مرگ را تصحیح نموده و هدف مندی آفرینش در نحوه حیات و مرگ انسان را برای او تبیین می‌نماید. این امر نه تنها سبب کاهش هراس از مرگ می‌شود، بلکه فرد را برای استقبال از مرگ آماده و مشتاق‌تر می‌سازد و در بُعد کنشی و رفتاری، آثار و پیامدهای مثبتی در تغییر سبک زندگی دنیوی او بر جای می‌گذارد.

کلیدواژه: "قرآن"، "حدیث"، "مرگ‌اندیشی"، "مرگ‌هراسی"، "روانکاوی"، "هستی‌گرایی"

«مرگ» یکی از مخلوقات الهی در نظام خلقت است.^۱ که به دلیل ماهیت آن و عدم دسترسی در ضمن حیات، برای انسان تصویری مبهم و پیچیده دارد. بشر با وجود پیشرفت های بسیار در عرصه های مختلف، هنوز موفق به کشف حقیقت مرگ و پاسخ به سوالات پیرامون آن نگشته است. مرگ اندیشی به دلیل تجربه مشترک آدمیان، دیری است که به عنوان بزرگ ترین چالش زندگی، مورد توجه بوده است؛ لکن به دلیل آن که ظاهراً در حین حیات و زندگی دنیوی، دسترسی به دنیای پس از مرگ و درک کیفیت و حقیقت آن برای انسان، ممکن و قابل لمس نیست، مواجهه با مرگ اندیشی با رویکردهای متضادی تبیین شده است. عدم اعتقاد به جهان آخرت و دنیای پس از مرگ، نگرش منفی، خشونت آمیز و سراسر تشویش و مأیوس کننده ای را به دنبال داشته است. بارزترین نمونه آن رامی توان در نظریات دوره های آغازین اندیشه های فروید جستجو کرد که اندیشیدن به مرگ را ناشی از عدم سلامت روان دانسته و با اصطلاحاتی همچون «نگرش انتقامی به مرگ»، «رانش مرگ»^۲ و مانند آن بیان نموده است.^۳ [گرچه تصورات وی در سال های پایانی زندگی خویش به دلایلی همچون جنگ جهانی دوم و وقوع مرگ برای بسیاری از انسان ها و از سویی مبتلا شدن خود فروید به سرطان که - منجر به مرگ وی شد - نسبت به این مسئله دچار تغییراتی متفاوت گردید.] به وضوح مشاهده می گردد که پیامدهای چنین رویکردهای مادی و غیر دینی منجر به پوچ انگاری، تشویش، افسردگی و امثال آن می شود.

درمقابل، ادیان توحیدی و به ویژه اسلام، برای مواجهه صحیح و منطقی با این حقیقت اجتناب ناپذیر، نسخه ای جامع و حیاتی ارائه کرده است و توجه به مرگ به طور مداوم و پیوسته در قرآن و روایات از زوایای گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه، قرآن کریم ضمن تأکید بر تجربه حتمی مرگ برای هر فرد^۴ و غیرقابل انکار بودن آن^۵، حالات و شرایط مختلف مرگ را نیز به تصویر می کشد. این حالات شامل مرگ کافران^۶، مرگ در حین ارتکاب گناه^۷، مرگ توأم با سختی ها و دشواری ها^۸، شدت و سختی جان دادن^۹، و همچنین استقبال از مرگ با آرامش^{۱۰} می شود و این تنوع در تصویرسازی ها نشان دهنده اهمیت مرگ و ضرورت اندیشیدن به آن در زندگی انسان است.

^۱ ملک: ۲

^۲ و منظور از رانش مرگ، اصلی در جهت تخریب و تجزیه فعال حیات نفسانی است که به ورای اصل لذت در این اصطلاح اشاره شده است.

^۳ ر.ک. فروید، ۱۹۲۰، ۴۹

^۴ انبیاء: ۳۵

^۵ آل عمران: ۱۶۸

^۶ آل عمران: ۹۱

^۷ نساء: ۱۸

^۸ انعام: ۹۳

^۹ ق: ۱۹

^{۱۰} بقره: ۹۴

این پژوهش با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن و حدیث، در پی تبیین نقش سازنده مرگ اندیشی در تمام ابعاد زندگی و به دنبال آن، تغییر نگرش، کنش و سبک زندگی است.

۱. بازخوانی مفهومی واژه "مرگ"

واژه مرگ به معنای مردن، فوت، قطع حیات و از بین رفتن زندگی است^{۱۱} و در اصطلاح، به معنی ختم زندگی مخلوقی است که لایق زنده بودن است. گاهی مرگ به معنای آن چیزی است که با عقل و ایمان منافات داشته و یا طبیعت را تضعیف کرده و با آن سازگار نیست؛ مثل ترس و اندوه و موقعیت دشواری از قبیل تنگدستی، ذلت، گناه و پیری^{۱۲}.

در زبان عربی، واژه «موت» به معنای از دست دادن حیات و زندگی است.^{۱۳} در آیات قرآن، از مرگ به عنوان «توفی» یاد شده است. «توفی» و «استیفاء» هر دو از یک ریشه می‌باشند (وف ی). هرگاه فردی چیزی را به‌طور کامل دریافت کند، اصطلاح استیفاء برای آن به کار می‌رود. در زبان عربی، واژه «توفی» نیز به همین معنا به کار می‌رود. «تَوَفَّى الشَّيْءَ» یعنی آن چیز را کامل دریافت کرد^{۱۴}.

کاربرد این مفهوم در قرآن نشان می‌دهد که در لحظه مرگ، اصل وجود انسان که همان روح اوست، توسط ملائکه دریافت شده و به دنیای دیگری منتقل می‌شود. همچنین می‌توان پی برد که حیات دنیوی، موقت و گذراست و در واقع خلقت انسان در این دنیا با خلقت در آخرت کامل خواهد بود.^{۱۵}

از آن جا که در سبک زندگی امروزی، راهکارهای مقابله با اضطراب و هراس ناشی از مرگ اندیشی، به دست روانشناسان، سپرده شده است؛ ضروری است این موضوع مهم، ازدیدگاه مکاتب مشهور روانشناسی، مورد مذاقه قرار گرفته و سپس مقایسه‌ای تطبیقی با اندیشه‌های قرآنی و روایات معصومین، انجام پذیرد تا بهترین راهکارها و نتایج، حاصل گردد.

۲. مرگ اندیشی از منظر روانشناختی

مرگ برای انسان تا حدودی امری شناخته شده و اجتناب ناپذیر است و هیچ راهی برای اجتناب از آن وجود ندارد، گرچه روانشناسان تلاش می‌کنند که اضطراب مرگ را در انسان از بین برده و یا به‌طور چشمگیری کاهش دهند، اما همچنان شاهد اضطراب ناشی از مرگ با علائمی مانند نگرانی، افسردگی، تنش هستیم.^{۱۶} زیرا یکی از دلمشغولی‌های همیشگی انسان، شیوه‌ی رویارویی او با هستی خویش بوده است.

^{۱۱} معین، فرهنگ معین، ۴۰۴۳/۳

^{۱۲} ر.ک. صلیبا، فرهنگ فلسفی، ۶۲

^{۱۳} مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۹۶/۱۱

^{۱۴} ابن فارس، معجم مقابیس اللغة، ۱۲۹/۶

^{۱۵} عنکبوت: ۶۴- غافر: ۳۹

^{۱۶} ر.ک. یالوم، مسئله مرگ و زندگی، ۳۹۵

درهمین راستا اکثر روانشناسان، برای رفع مشکلات روحی-روانی انسان در باب غایت زندگی و نیز شیوه ی برخورد با مرگ، به نظریه پردازی در این حوزه پرداخته اند که این نظریه ها را می توان به دو دسته تقسیم نمود؛ برخی نگرش مثبت نسبت به مرگ داشته اند و از فرصت ها، بیشترین بهره را برده اند. با این نگرش زندگی برایشان معنا و مفهوم دارد و همواره به آینده امیدوارند.^{۱۷} مقابل برخی روانشناسان نگاهی بدبینانه به مرگ دارند (مرگ اندیشی منفی) زیرا از دید آنان، تعارض گرایش به جاودانگی و عدم اجتناب از مرگ در انسان، سبب صدمات زیادی به فرد می شود.^{۱۸}

گوناگونی دیدگاه ها وابسته به تفاوت رویکرد هایی همچون؛ انسان گرایی، رفتار گرایی، روان کاوی، هستی گرایی و... است که ما در این پژوهش برآنیم که به دو رویکرد مشهور "روان کاوی" و "هستی گرایی" بپردازیم.

۱.۲. دیدگاه روان کاوی

دراین دیدگاه، ترس از مرگ، به دلیل ناشناختگی و ابهام آن است و این ترس بر رفتارها و تصمیمات روزمره ما تأثیرگذار است. با این حال، پذیرش مرگ به عنوان بخشی از چرخه زندگی می تواند به آرامش روانی بیشتری منجر شود. براین مبنا، مفهوم مرگ نه تنها به عنوان یک واقعیت جسمانی، بلکه به عنوان یک واقعیت روانی نیز مدنظر قرار می گیرد. مرگ می تواند تأثیرات عمیقی برضمیر ناخودآگاه و تفکرات انسان داشته باشد و اغلب به عنوان یکی از مهم ترین انگیزه ها و عوامل تحولات روانی در زندگی شخصیتی انسان مطرح می شود.

زیگموند فروید^{۱۹} بنیان گذار رویکرد روان کاوی، مرگ اندیشی را ناشی از عدم سلامت روانی تلقی کرده است و بر این باور بود که مرگ، تجربه پذیر نیست. بنابراین تفکر راجع به آن بی معناست و مرگ هراسی ناشی از اختلالات روانی است که ریشه در کودکی دارد. همچنین ویلیام جیمز^{۲۰} که از بنیان گذاران روان شناسی دینی است با وجود نگاه مثبتی که به دین دارد، در این خصوص با فروید هم رأی بوده و مرگ اندیشی را از نشانه های افراد بیمار می داند.^{۲۱}

فروید برای غریزه عشق و شور زندگی از واژه «لیبیدو»^{۲۲} استفاده می کند و می توان گفت طبق نوشته ها و نظرات وی لیبیدو دارای مفهوم گسترده ای است که شامل هر نیروی تحریک کننده ای که سبب تکاپو و فعالیت انسان برای بقاء زندگی است، می گردد و به تعبیری دیگر لیبیدو، انرژی روانی ای که منجر به نمایان شدن غریزه زندگی می شود.^{۲۳} لیبیدو با مرگ می جنگد و می کوشد انسان را در هر زمینه به پیروزی برساند، این نیرو را شهوت نیز می نامند.

^{۱۷} ر.ک. بکر، انکار مرگ، ۴۳ - سلیگمن (۲۰۰۲)، ۱۲

^{۱۸} فروید، ورا ی اصل لذت، ۱۹

^{۱۹} Sigmund Freud (۱۸۵۶-۱۹۳۹) عصب شناس اتریشی و بنیان گذار دانش روانکاوی

^{۲۰} William James

^{۲۱} جیمز، تنوع تجربه دینی، ۴۳۱

22 Libido

^{۲۳} فروید، همان، ۱۰۸

تمرکز فروید بر لیبیدو، اصل لذت و میل جنسی سبب شد که او از وجوه دیگر روان آدمی مثل مرگ اندیشی غافل بماند^{۲۴}.
فروید در نظریاتش درمورد سرچشمه های اضطراب، به شکل عجیبی مرگ را نادیده گرفته است.^{۲۵} جنگ جهانی سبب شد که
فروید در مقاله ای کوتاه به نام «تلقینات ما درباره مرگ» نظرش را کمی تغییر دهد.^{۲۶}

یونگ،^{۲۷} از دیگر روان کاوان برجسته، برخلاف فروید، مرگ را حلقه ای از چرخه طبیعی زندگی می دید و معتقد بود که پذیرش
مرگ می تواند به رشد و توسعه روانی فرد کمک کند. از نظر او، مرگ نه پایان، بلکه آغاز نوعی دیگر از بقاست. او معتقد بود که
پذیرش مفهوم مرگ نیازمند تفکر درباره معنای عمیق زندگی و مرگ و هستی است و جستجوی این مفاهیم درونی است.^{۲۸}
یونگ باور داشت که آگاهی از مرگ می تواند به خلق یک زندگی معنا دار کمک کند؛ زندگی ای که در خدمت حرکت روح به
سوی کمال است. وی مرگ را به عنوان فرصتی برای رشد روانی می بیند و پذیرش آن را راهی برای دستیابی به آرامش و تکامل
روحي می داند. البته اختلاف نظر او با فروید، بدان روست که با آن که او را در ردیف روانشناسان با رویکرد روان کاوی، محسوب
نموده اند ولی یونگ را باید مبتکر یک مکتب خاص دانست که پس از جدایی از فروید توسط وی اعلام شده و خود او نامش را
"روان شناسی تحلیلی در روان کاوی" نام نهاد.

وی معتقد است اگر انسان انتخاب های صحیحی در زندگی خود داشته باشد و از این سرمایه به درستی بهره برداری کند، هرگز
از ترس و هراس مرگ رنج نخواهد کشید. انتخاب آگاهانه و زندگی بر اساس تفکر و مسئولیت نسبت به خود و دیگران، از جمله
ثمرات واقعی زندگی و آگاهی از مرگ است.^{۲۹}

۲.۲ دیدگاه اگزیستانسیال یا روانشناسی هستی گرا

همزمان با نهضت فلسفه وجود گرایی در اروپا در دهه ۱۹۴۰ میلادی، روانشناسی وجودی یا هستی گرا نیز پدید آمد و رویکرد
نوینی در روانشناسی نسبت به مرگ متأثر از فلسفه وجودی شکل گرفت که لازمه زندگی اصیل را، در یاد مرگ تلقی می کند. البته
هستی گرایی به عنوان یک جریان فلسفی پیشینه ای کهن دارد چرا که اساساً فلسفه وجودی با پرسش «من کیستم؟» آغاز می
شود.^{۳۰} در این رویکرد با تأکید بر وجود، به دنبال شناخت انسان نه به عنوان یک موجود ثابت و ایستا، بلکه به عنوان موجودی
همواره در حال شدن و پدید آمدن، هستند.^{۳۱} فرضیه هایی همچون زندگی افراد دارای هدف، ارزش و معناست و این که افراد

^{۲۴} لورا برک، روانشناسی رشد، ۵۹۴/۲

^{۲۵} یالوم، مسئله مرگ و زندگی، ۱۰۳

^{۲۶} یالوم، همان، ۲۶۹

^{۲۷} Carl Gustav Jung

^{۲۸} یونگ، دریاب بازتولد، ۱۷۵

^{۲۹} یانگ، «مرگ و اصالت»، ۳۰۱-۳۰۲

^{۳۰} ر.ک. یالوم، همان، ۲۰۵

^{۳۱} ر.ک. یالوم، همان، ۳۲۰

دارای اراده‌ی آزاد هستند، مورد نظر است.^{۳۲}

برطبق نظریه وجودگرایی - که بیان می‌کند افراد برای جستجو و یافتن یک معنای شخصی برانگیخته می‌شوند- افرادی که به درکی از زندگی خود به عنوان یک انسان رسیده‌اند، تا حدی مرگ را نیز پذیرفته‌اند و مرگ را نقطه مرکزی زندگی انسان می‌دانند. روانشناسان وجودی درباره مفهوم مرگ اختلاف نظر دارند. برخی مرگ را راهی به سوی وجود اصیل دازاین^{۳۳} می‌دانند، در حالی که برخی دیگر آن را یکی از ابهامات وجود انسان و برهانی بر پوچی زندگی و جهان می‌شمارند. ارنست بکر^{۳۴} به عنوان نظریه پرداز در این رویکرد به احیاء و گسترش مرگ اندیشی کمک شایانی نمود. بکر معتقد بود این که انسان همیشه مرگ را سخت ناگوار می‌پندارد، امری بدیهی است. اما وی بر این باور بود که برخلاف مرگ هراسی، مرگ اندیشی نشانه سلامت روان است؛ زیرا مرگ یک واقعیت انکارناپذیر برای انسانهاست و اگر یک واقعیت انکارناپذیر را نپذیریم، یعنی از سلامت روان کاملی برخوردار نیستیم. او در کتاب «انکار مرگ» به تبیین این نظریه پرداخته است.^{۳۵}

یالوم^{۳۶} به عنوان روانشناس همسو با بکر در این رویکرد توجه به مرگ را به عنوان مسلم ترین حقیقت زندگی انسان می‌داند. لکن براساس این دیدگاه، مرگ یعنی فرجام وجود.

براساس این رویکرد، زمان برای انسان تعریف می‌شود. تولد و مرگ را به عنوان ابتدا و انتهای انسان مشخص می‌کند و وجود انسان را به عنوان مرز بین تولد و مرگ می‌داند.^{۳۷} به عبارت دیگر، زندگی محدود به این جهان و فناپذیر است و انسان با مرگ، نیست و نابود می‌شود. در این نوع از روانشناسی با مفهوم مرگ، هستی نیز از بین می‌رود.

به طور کلی خدای یکتا، در دیدگاه وجودی بیان نمی‌شود و به تبع آن، سرای باز پسین و دنیای پس از مرگ نیز مورد انکار، قرار گرفته است؛ با آن که بسیاری از این روانشناسان اذعان می‌نمایند که مذهب (اعتقادات دینی) یک شبکه معنادار را برای فرد با ایمان تأمین می‌کند که در بطن آن، همه زندگی فهمیده می‌شود و به سان لنگری معنوی برای انسان عمل می‌کند و به ما احساس امنیتی می‌دهد که در هیچ جا سراغ نداریم.^{۳۸}

^{۳۲} ر.ک. فرانکل، انسان در جست‌وجوی معنا، ۱۲۴

^{۳۳} Dasein

دازاین یک مفهوم اساسی در فلسفه مارتین هایدگر به معنی، هستی و زمان است.

^{۳۴} Ernest Becker

^{۳۵} ارنست بکر، انکار مرگ، ۲۷۳

^{۳۶} Irvin David Yalom

روان پزشک هستی‌گرا و نویسنده آمریکایی که کتابهای زیادی همچون: درمان شوپنهاور-روان درمانی

آگزیستانسیال-خیره به خورشید(غلبه بر هراس مرگ و....

^{۳۷} ر.ک: آزاده، فلسفه و معنای زندگی، ۲۲۱

^{۳۸} ر.ک: فرانکل، انسان در جست‌وجوی معنا، ۱۶۶

بررسی های انجام شده توسط پارک، کهن و هرب^{۳۹} (۱۹۹۰)، باتکوسینین و کلیماک^{۴۰} (۲۰۰۲)، آردلت^{۴۱} (۲۰۰۳)، وینک و اسکات (۲۰۰۵) ... نشان می دهد که يك ارتباط دو سویه منفی بین اضطراب مرگ و جهت گیری مذهبی وجود دارد بدین معنا که هرچه میزان باور مذهبی بیشتر باشد، مقدار اضطراب مرگ کاهش می یابد. آردلت (۲۰۰۳) عنوان نمود: معنا و مفهوم متعالی زندگی و مرگ تنها از طریق جهت گیری مذهبی شکل می گیرد. لکن از آنجا که روانشناسان بر آنند تا بدون استفاده از تعالیم دینی و صرفاً از طریق علمی محض به کاهش اضطراب در مورد بیماران در حال مرگ بپردازند، تنها به انجام یک سری ازمهارت ها و تکنیک ها جهت کاهش این اضطراب، بسنده می کنند.

نتیجه آن که اگر فرد به دنیای واپسین، معتقد نباشد و حیات انسانی را جاودانه نداند، زندگی او معنادار و هدفمند نخواهد بود. باغفلت از این امر، فرد بدون هدف مشخص در حیات دنیوی و با سردرگمی و بی معنایی در زندگی خود و اضطراب ناشی از آن فرو می رود.

۳. مرگ اندیشی از منظر دین اسلام

اندیشیدن به مرگ، نقش مهمی در کاهش مرگ هراسی دارد. ترس از مرگ و نگرانی از آن، خاصّ انسان است و آنچه در حیوانات وجود دارد، غریزه اجتناب از خطر و میل به حفظ زندگی کنونی است. یقیناً میل به زنده ماندن، با روحیه نجات زندگی کنونی، در اندیشه های او وجود دارد که از غریزه اجتناب از خطر و واکنش فوری و ضمنی هر حیوانی در برابر خطر متمایز است.^{۴۲}

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در ذیل آیات ۶۲-۶۰ سورة واقعه، حکمت مرگ را این گونه تفسیر می کند: «ما از ابتدا، هستی شما را مقدر و محدود کردیم به حدّ موت، پس مرگ حقّ است و از ناحیه خدا مقدر شده و خداوند بوسیله عواملی اراده کرده تا حیات انسان را باطل کند و ما در مسأله مخلوقاتمان، از عوامل ویرانگر و مبطل حیات شکست نمی خوریم و چنان نیست که اراده ما بر حیات دائمی شما بوده، اما اسباب ویرانگر بر اراده ما غلبه کرده و باعث مرگ شما شوند. بلکه ما مرگ را بر حیات شما مقدر کرده ایم و.... لذا مرگ انتقال از سرائی به سرای دیگر است نه انعدام و فناء».^{۴۳} بنابر دانش معنا شناسی نحوه بیان و به کار گیری واژگان در کیفیت القاء مطالب تأثیر بسزایی دارد. بدین منظور تبیین سبک بیانی قرآن در مرگ اندیشی و پیامدهای ناشی از آن ضروری به نظر می رسد. لذا ابتدا سبک بیانی قرآن را مورد توجه قرار می دهیم و پس از آن به ابعاد معرفتی (نگرشی) و کنشی (رفتاری) به طور مفصل خواهیم پرداخت.

۱.۳. سبک های بیانی آیات و روایات در مورد مرگ و مرگ اندیشی

از میان شیوه های متعدد و گوناگون قرآن به دو سبک مهم، بسنده می نماییم:

۱.۱.۳. تمثیل، تشبیه و تشابه

³⁹ Park, Kohan and Herb

⁴⁰ Batkosinin and Klimak

⁴¹ Ardlet

^{۴۲} ر.ک. مطهری، زندگی جاوید یا حیات اُخروی، ۳۲۵

^{۴۳} طباطبائی، تفسیر المیزان، ۴۸۰

ا) تشابه مرگ و خواب از جهت قطع اتصال از عالم ظاهر

قرآن مجید "مرگ" و "خواب" را دارای تشابه و همانندی بسیار دانسته است:

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ خداوند است که جان ها را به هنگام مرگشان به طور کامل می گیرد و (جان) آن را که نمرده است در هنگام خواب (می گیرد)، پس آن را که مرگ بر او قطعی شده نگاه می دارد و جان های دیگر را (که مرگش فرا نرسیده) برای مدتی معین (به جسم آنان) بازمی گرداند...^{۴۴}

در این سبک، که تشابه مرگ و خواب را بیان نموده، تنبه در معرفت افزایی انسان در قطع اتصال وی از عالم ظاهر در هر دو جلوه ی آن است؛ خواب، قطع اتصال موقت انسان از عالم ظاهر و مرگ، قطع اتصال دائمی وی از این عالم است.

ب) آگاهی بخشی از طریق تشبیه و تمثیل به امور طبیعی

در مورد ماهیت مرگ و نیز احوال انسان در آن زمان، امور طبیعی را با مثال های بیان نموده تا سطح آگاهی و معرفت انسان نسبت به این امور ارتقاء پیدا کند، از جمله می فرماید: «وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَتْرَكْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا؛ و (ای پیامبر!) برای آنان زندگی دنیا را مثل بزن که (در ناپایداری) همچون آبی است که از آسمان فرو فرستادیم، پس گیاه زمین بوسیله ی آن (چنان رشد کند و انبوه شود که) درهم فرو رود، پس ناگهان خشک شود، آن چنان که باده ها پراکنده اش کنند و...^{۴۵} با استناد به این آیه می توان این گونه تحلیل نمود که خداوند برای بیان حقیقت زندگی دنیا و زینت های فانی و زایل شدنی آن، این مثل ها را آورده، تا توجه انسان را بدان ها جلب کند. در برخی از منابع آمده که استعمال تشبیه ها و تمثیل های قرآن از زندگی انسان به امور طبیعی مانند باد، باران و گیاهان، برای این است که انسان بیدار شود، روزی زندگی اش مثل آنها به انتها خواهد رسید.^{۴۶} یکی از شیوه های کاربردی قرآن در زمینه معرفتی - تربیتی، تشبیه و تمثیل است. خداوند مفاهیم پیچیده و مشکل را به معانی ملموس و مجسم تشبیه کرده است، همان گونه که ذکر شده است.

۲.۱.۳. بیان قصص

روش دیگر خردورزی قرآنی در مورد مرگ، بیان قصص است؛ که در معرفت و هدایت انسانها و ایجاد زمینه مرگ اندیشی نقش موثری دارند.

در این روش، بیان قصه ها به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم، حاوی ویژگی های متعددی همچون "پیامداری" و "واقعیت گرایی" هستند^{۴۷} و با بیان بهترین قصه ها، مفاهیم عالی را برای انسان، تبیین می نمایند.^{۴۸} چنان که در داستان اصحاب کهف می توان گفت که یکی از اهداف آشکار نمودن راز آنان، مرگ اندیشی و اثبات عملی رستخیز انسان است. «وَكَذَٰلِكَ أَعِزَّنَا عَلَيْهِم لِیَعْلَمُوا

^{۴۴} زمر: ۴۲

^{۴۵} کهف: ۴۵

^{۴۶} ر.ک. حسینی تهرانی، معادشناسی، ۲۳/۱

^{۴۷} ر.ک. سید سعید مهدوی قصه و نکات تربیتی آن در قرآن، ؟

^{۴۸} یوسف: ۳

أَنَّ وَعَدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا؛ وَبَدِينَ گونه (مردم را) برحالتشان آگاه کردیم تا زمانی که میانشان درباره کارشان (معاد و قیامت) گفتگو بود، بدانند که وعده‌ی خدا (درباره‌ی رستاخیز) حَقٌّ است و اینکه در فرارسیدن قیامت تردیدی نیست»^{۴۹}

از دیگر قصص قرآنی در مورد مرگ، داستان عزیر نبی (ع) است. عزیر (ع) با توشه‌ای از انجیر و آب بر مرکبش سوار و به سمت دیار تخریب شده روانه شد. هنگامی که از بلندی شهر بالا رفت و نظرش به اجساد بی‌جان مردگان افتاد، با خود گفت: چگونه این دیار مجدد آباد و زنده می‌شود؟ «أَوَ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةً عَامًا؛ یا مثل شخصی که از کنار یک روستای (خراب شده) گذر کرد، در حالی که به روی سقف‌ها، دیوارهایش فرو ریخته بود، (و بدن‌ها و استخوان‌های اهل آن، در هر طرف پراکنده بود)؛ او با خود گفت: «خدا چطور این‌ها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟!» (در این هنگام) خدا صد سال او را میراند؛ باز زنده کرد؛ و به او گفت: «چقدر توقف کردی؟» گفت: «یک روز؛ یا بخشی از یک روز» فرمود: «نه بلکه یک صد سال توقف کردی!»» (بقره: ۲۵۹)

استناد و تبیین این گونه موارد، با زبان قصه، زمینه‌ی تلنگر و تنبه انسان را جهت تغییر بینش و توجه او به مرگ اندیشی و اصلاح کنش‌های انحرافی فراهم می‌کند.

۳.۱.۳. تعظیم مرگ و جهان آخرت

توجه دادن به عظمت مسئله مرگ و جهان آخرت از روش‌های اصلی قرآن و معصومین (ع) است که در این راستا جهان آخرت سرای قرار و ثبات و استقرار شمرده شده است.^{۵۰} در بیان امام علی (ع) آمده است: إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ؛ دنیا سرای گذر است و آخرت خانه قرار و همیشگی^{۵۱}! شواهد بسیاری از شیوه‌ی عملی ائمه اطهار (ع) همین معنا را متبادر می‌سازد. که می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره نمود:

درباره‌ی امیرمؤمنان علی (ع) و حالات مرگ اندیشی آن حضرت، ضرار بن ضمره گوید: او را در یکی از شب‌ها دیدم که در محراب خود ایستاده بود. محاسن خود را به دست گرفته بود و چون مارگزیده به خود می‌پیچید و چون غم‌زده‌ها می‌گریست. گویا اکنون صدایش در گوش من است که می‌گوید: أَهْ! مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بَعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوَدِّ؛ آه، از کمی توشه و دوری سفر و عظمت جایی که به آن وارد می‌شویم!^{۵۲}

درباره‌ی مرگ اندیشی حضرت زهرا (س) نیز نقل شده است که امام علی (ع) در شب عروسی، حضرت فاطمه (س) را نگران دید، علت را از وی جویا شد، حضرت فاطمه (س) جواب داد: «پیرامون حال و رفتار خویش اندیشیدم، به یاد مرگ و قبر خویش افتادم. امروز از خانه پدر به خانه شما آمدم و روز دیگر از اینجا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. تو را به خدا سوگند می‌دهم! بیا به نماز بایستیم و خدا را با هم عبادت کنیم.» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۴۰) به جز این دو نمونه خطبه‌های متعدد در مورد مرگ (۱۴۹-۱۲۳-۳-۸۲ و...) و ناپایداری دنیا (۶۳-۱۳۲-۱۵۶-۲۲۵ و...) و انتقال به آخرت (۲۱-۱۱۰ و...) از حضرت علی (ع) نقل شده است و از بقیه معصومین (ع) نیز در این باره روایات بسیاری ذکر نموده‌اند از جمله:

^{۴۹} کهف: ۲۱

^{۵۰} غافر: ۳۹

^{۵۱} نهج البلاغه، خ ۱۹۴

^{۵۲} صبحی صالح، ۱۳۷۴، ح ۷۷

در حدیثی از امام حسن (ع) آمده است که: «نَعَمْ إِسْتَعِدَّ لِسَفَرِكَ وَحَصِّلْ زَادَكَ قَبْلَ حُلُولِ أَجَلِكَ؛ بله برای سفرت، خود را آماده کن و توشه راحت را پیش از فرارسیدن ساعت مرگ خود فراهم نما.»^{۵۳}

از امام موسی بن جعفر (ع) نیز روایت شده است: «إِنَّ الْمَوْتَ هُوَ الْمِصْفَاءُ يُصَفِّي الْمُؤْمِنِينَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ فَيَكُونُ آخِرَ أَلَمٍ يُصِيبُهُمْ وَ كَفَّارُهُ آخِرُ وَزِرٍ عَلَيْهِمْ؛ مرگ صافی ای است که مؤمنان را از گناهان پاک و تصفیه می کند و این آخرین دردی است که آنها احساس خواهند کرد و کفاره آخرین خطا و گناهانشان خواهد بود.»^{۵۴}

هنگامی که ائمه اطهار (ع) در مواجهه با مسئله مرگ و پیامدهای آن دچار چنین حالاتی می شوند، در واقع هشدار می دهند که انسان که از خواب غفلت بیدار شود.

با استناد به آموزه های الهی می توان چنین تحلیل نمود که اصلاح نگرش و کنش انسان در موضوع مرگ اندیشی و مرگ هراسی از بهترین عوامل معرفت افزایی شمرده شده است. گرچه از دیدگاه دنیاگرایان، یاد مرگ می تواند پیامد منفی داشته باشد و موجب پوچی، افسردگی، یأس و غیره گردد؛ ولی در دیدگاه آخرت گرایانه، مرگ اندیشی سبب پیامدهای مثبتی همچون تنبه، بیداری انسان و مانند آن می شود. از اینرو در این نوشتار به مرگ اندیشی مثبت تعبیر شده است.

۴. پیامدهای مثبت مرگ اندیشی در ابعاد مختلف

مبرهن است که زنده نگه داشتن یاد مرگ تأثیر بسیاری در روش زندگی و سعادت واقعی خواهد داشت؛ زیرا روح انسان در اثر تعلق به امور دنیوی، غبار غفلت و بی خبری به خود می گیرد. اندیشیدن به مرگ سبب از بین رفتن این آلودگی ها شده و تجلی بخش قلب و روح آدمی می گردد. همان طور که رسول خدا (ص) قلب را تشبیه به آهن زنگ زده ای می کند که راه جلا دادن آن تلاوت قرآن و یاد مرگ است.^{۵۵} اینک پیامدهای مثبت مرگ اندیشی در دو بُعد بینشی و کنشی مورد بررسی قرار می گیرد:

۱.۴. بُعد معرفتی - نگرشی

أ) تحول در نگرش ارزشی انسان: مرگ اندیشی مثبت می تواند تغییراتی در نگرش ارزشی انسان ایجاد کند. در قرآن، آیات بسیاری انسان را به تفکر و تأمل در مورد مرگ فرا می خواند از جمله: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان حقا که توبه سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد»^{۵۶} با استناد به این آیه می توان حرکت انسان به سمت خدا که منتهی به لقاء الله (بالاترین نعمت الهی) می شود، را دریافت و این درحقیقت یک نوع نگرش مثبت به مرگ است و یا آیه شریفه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم»^{۵۷} این مفهوم با تعبیر مختلفی در آیات قرآن بیان شده است.^{۵۸} استناد آیات مذکور بر صیوررتی است که تبلور آن رسیدن انسان به کمال یا همان (رجعت الی الله) می باشد و بامرگ محقق می شود. حال اگر نگرش انسان نسبت به مرگ اینگونه باشد، منجر به کاهش مرگ هراسی منفی می شود.

^{۵۳} قمی، منتهی الامال، ۲۳۳/۱

^{۵۴} فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۸/ ۲۵۶

^{۵۵} ر.ک. پاینده، نهج الفصاحه، ۱۸۹

^{۵۶} انشقاق: ۶

^{۵۷} بقره: ۱۵۶

^{۵۸} نور: ۴۲؛ فاطر: ۳۵؛ هود: ۱۲۳

بعد از اینکه جامعه اسلامی در مدینه مستحکم شد و حکم جهاد از طرف خداوند صادر شد؛ افرادی مانند عبدالرحمن عوف واصحابش... برای گریز از نبرد و ترس از کفار شروع به بهانه تراشی کردند: چرا خداوند جنگ را بر ما واجب کرد و نگذاشت از زندگی محدودی که به ما داده است، استفاده کنیم.^{۵۹} خداوند علت تمام این بهانه جوئی ها را وابستگی این افراد به دنیا می داند؛ لذا برای کنترل دلبستگی مزبور، بیش آنها را اصلاح کرده و به این افراد دو نکته را گوشزد می کند؛

- در مقایسه زندگی دنیا با آخرت، زندگی دنیا بهره اندکی دارد، در حالی که زندگی اخروی پایدار و باقی است.

- از مرگ، فراری نیست و گریز از آن معنا ندارد و دیگر جای این توهم نیست که اگر در جهاد حاضر نشوید و یا اگر خدای تعالی جنگ را بر شما واجب نکرده بود، شما از مرگ نجات می یافتید؛ مانند این جواب را در آیه ۳۸ توبه نیز می بینیم که خدا به افرادی که در هنگام فرمان جهاد بهانه جویی می کنند می فرماید: «أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ مگر از آخرت به زندگی دنیا راضی شده اید (اگر چنین است بدانید که) بهره گرفتن از دنیا در قبال آخرت جز اندکی نیست» در کلمه «رضا» مفهوم قناعت نهفته است و در واقع نوعی مجاز در این کلام بکار رفته؛ تحلیل آیه این می شود که زندگی دنیا نوع پستی از زندگی آخرت است که مردم به آن قناعت کرده اند.^{۶۰}

«... لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ؛... در گرما (بسوی جنگ) کوچ نکنید! بگو: آتش جهنم گرم تر است، اگر فهم عمیق دارند».^{۶۱} در آیاتی نظیر آیات ۱۲-۱۱ سوره صف، ۷۴ انفال و... خداوند به مؤمنان و مجاهدان در راه حق، وعده بخشش گناهان و ورود به بهشت را می دهد. «... أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ؛ مؤمنان حقیقی فقط آنانند، برای آنان آمرزش و رزق نیکو و فراوانی است».^{۶۲} نکره آمدن کلمه «مغفرة» علامت کمال است؛ یعنی آمرزشی کامل از همه گناهان و تبعاتشان در انتظار آنهاست.^{۶۳}

توجه دادن به آتش جهنم یا ورود به بهشت در مورد اعمال دنیا روش مستقیم خداوند به دلیل ایجاد تغییر در بُعد نگرشی انسان است. در آیه به مؤمنانی که در راه خدا عذاب دیده اند، وعده از بین رفتن سیئات داده شده: «... فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...؛ پس کسانی که هجرت کرده و از خانه هایشان رانده شده و در راه من آزار دیده، جنگیده و کشته شدند، قطعاً من خطایشان را می پوشانم و در باغهایی که نهرها از زیرشان جاری است، واردشان می کنم. این پاداشی است از طرف خدا...».^{۶۴} طبق استناد به این آیه شریفه بعد از اینکه خداوند کسب پاداش را به عمل صالح نسبت داده، از بین اعمال چند عمل را بطور خاص نام می برد و برای آنها اجر مضاعفی در نظر می گیرد.

^{۵۹} طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۳/ ۱۱۹؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۵/ ۲۸۱

^{۶۰} طباطبائی، تفسیر المیزان، ۹/ ۲۷۸

^{۶۱} توبه: ۸۱

^{۶۲} انفال: ۷۴

^{۶۳} فخر رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ۱۵/ ۵۱۹

^{۶۴} آل عمران: ۱۹۵

با توجه به اینکه انسان دارای غریزه منفعت طلبی است و تمام تلاشش معطوف به کسب سود بیشتر است. خداوند برای تعالی بخشیدن به آن، مؤمنان را به معامله فرا می خواند که درعالم دنیا بی نظیر است. آیه ۱۱۱ سوره توبه آمده: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ؛ که ما از مؤمنان، جان ها و اموالشان را که همگی فانی هستند، می خریم و درمقابل، بهشت جاودان به آنها می دهیم». آنچه که در این آیه، حس سودجویی انسان را تحریک می کند بکاربردن کلمه «اشتری» و «بیعکم» است. در کتب لغت: «شَرَيْتُ الْمَتَاعَ» یعنی آن متاع را در ازای ثمنی گرفتم یا آن را به قیمتی دادم؛ این فعل از اضداد است و بر داد و ستد صدق می کند.^{۶۵} آیات ۱۱-۱۰ سوره صف «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ و...» مفهومی مشابه آیه مذکور دارد و به جای واژه «اشتری» کلمه «تجارة» آمده است. تجارت به معنی تصرف در سرمایه برای کسب سود^{۶۶}. هر دو در این آیات، خداوند متعال به شکل تمثیل، وعده تخلف ناپذیر بهشت را عنوان کرده و آن را به داد و ستد تشبیه نموده است؛ برای اینکه اشتراء را درجایی بکار می برند که خریدار، مالک متاع نبوده باشد. درحالی که در اینجا هرچه هست از آن خریدارست. این آیات نگرشی مثبت نسبت به مرگ در فرد ایجاد می کنند و منجر به کاهش مرگ هراسی منفی می شوند. پس مرگ اندیشی یکی از خصایص ذاتی آدمی و پیامد مثبت این تفکر نیز همان کسب معرفت و بیداری است.

ب) زدودن حجابها از معرفت انسان: یکی دیگر از کارکردهای مرگ اندیشی مثبت رفع حجاب ها از معرفت انسان است که این خطا در نحوه اندیشیدن انسان هنگامی پیش می آید که به سود واقعی خود واقف نبوده یا در صورت شناخت نیز دچار وابستگی به دنیا شود.^{۶۷} بسان آن که امام علی (ع) انسان را با وجود رقابتی واقعی بیم می دهد و با تأکید می گوید هوشیار باشید که اگر دچار غفلت شوید، رقیب، غافل نیست و نتیجه به ضرر شما خواهد بود. این مسئله را با استناد به آیات متعددی از قرآن می توان تبیین نمود به عنوان نمونه:

«... قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَ لَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا* أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّسَيَّدَةٍ؛ بگو که متاع دنیا اندک است و آخرت خیر است برای کسی که تقوا پیشه کند و اصلا شما مورد ستم قرار نمی گیرید* هر جا باشید، گرچه در قصرهای مستحکم، مرگ شما را فرا می گیرد...»^{۶۸}

۲.۴. بُعد کنشی - رفتاری

أ) اصلاح تعاملات فردی و اجتماعی؛ رفتارها تحت تأثیر باور به مرگ تغییر می یابد. تعاملات فردی و اجتماعی در حیطه عمل و رفتار مانند: دوری از ظلم و تعدی، تأدیه حقوق دیگران و آمادگی حضور در صحنه محاکمه نهایی در سایه این باور اصلاح شده و در نهاد انسان مؤمن استوار می گردد. مرگ اندیشی مثبت نه تنها باعث از بین رفتن شادابی نمی گردد، بلکه سبب می شود، انسان با درک مرگ از لحظات حیاتش استفاده کند و هیچ فرصتی را از دست ندهد.^{۶۹} این یقین باعث شتاب فرد مرگ اندیش

^{۶۵} فیومی، مصباح المنیر، ۲/ ۳۱۲؛ جوهری، صحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ۶/ ۲۳۹۱

^{۶۶} راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۶۴

^{۶۷} نهج البلاغه، ۳۹۷/۲۱۱

^{۶۸} نساء: ۷۷-۷۸

^{۶۹} نهج البلاغه، ۱۰۳/۷۶

نسبت به انجام اعمال نیک خواهد شد.^{۷۰} غفلت از مرگ اندیشی، قبح اعمال نادرست را از بین برده و احتمال وقوع آن‌ها را افزایش می‌دهد. با استناد و بررسی آیات در مورد مرگ اندیشی می‌توان گفت که از بُعد کنشی یکی از اساسی‌ترین پیامد مثبت مرگ اندیشی، عدم وابستگی انسان به تمایلات فریبده دنیاست. زندگی دنیا، کالایی فریبده است؛ اما فرد آگاه درمی‌یابد که این حیات، موقتی است. بنابراین، به آن دل نمی‌بندد و آن را به مثابه سرمایه و ارزشی ماندگار برای خود تلقی نمی‌کند.^{۷۱} خداوند متذکر می‌شود: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ هرکسی مرگ را می‌چشد و به تحقیق در روز قیامت مزد اعمال شما را به کمال خواهند داد؛ و هرکس را از آتش دور سازند و به بهشت درآورند به پیروزی رسیده است؛ و این زندگی دنیا جز متاعی فریبده نیست»^{۷۲}.

چه زیبا قرآن زندگی دنیا را چیزی جز یک فریب معرفی نمی‌کند. لذت‌های دنیوی هرچه باشد، موقتی و فانی خواهد بود و فکر ناپایداری آن، لذت آن را از بین خواهد برد و آن را در حد یک سراب، نه یک واقعیت قرار می‌دهد.^{۷۳} همچنین در بررسی احادیث نیز تبلور این اصل مشهود است: به عنوان نمونه یکی از یاران پیامبر (ص) عرض کرد: ای پیامبر خدا، مرا به چیزی که بهترین سود را برایم داشته باشد، موعظه کن. حضرت فرمود: بسیار به مرگ فکر کن؛ زیرا اندیشیدن به مرگ تو را از دام‌های دنیا نجات می‌بخشد.^{۷۴} «... فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ در صورتی که متاع دنیا در پیش عالم آخرت اندکی بیش نیست»^{۷۵} و جهان بینی انسان متحول می‌شود، سبب تنظیم و تعدیل تعلقات و احساسات وی می‌شود و انسان قادر به دل‌کندن از دنیا می‌گردد؛ اما اگر غیر از این باشد، دنیا را بر آخرتش ترجیح می‌دهد.^{۷۶}

ب) ایثار و از خود گذشتگی

در زندگی حقیقی، مرگ پایان حیات دنیوی نه پایان حیات حقیقی است؛ لذا حیات معنادار با این تصور که «آنچه هست، حیات معقول است که شمول آن از مرگ عبور کرده و به ماورای مرگ تا ابدیت گسترده شده است. آن زندگی که بی اصل است، زندگی نیست و آن حیاتی که به زندگی معقول مبدل شده است، مرگ و نیستی به دنبال ندارد».^{۷۷} تاریخ گواه بر آن است که مجاهدان فی سبیل الله و نیز شهدا با در نظر گرفتن زندگی هدفمند که مرگ اندیشی غایت اصلی آن است، از همه خواست‌های خود دست کشیدند. به گذشتن از زندگی دنیوی رضایت دادند؛ به پایان یافتن زندگی دنیوی رضایت دادند.

ج) بسندگی و ترک زیاده خواهی

^{۷۰} نهج البلاغه، ۴۷۳/۳۱

^{۷۱} مدرسی، تفسیر هدایت، ۶۶۷/۱

^{۷۲} آل عمران: ۱۸۵

^{۷۳} جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ۳۲۲/۲

^{۷۴} ابن حرائی، تحف العقول، ۳۵

^{۷۵} توبه: ۳۸

^{۷۶} نهج البلاغه، ۱۱۴/۱۱۳

^{۷۷} جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ۳۲/۵

ذات آدمی همواره به دنبال افزون طلبی است.^{۷۸} این غریزه در او باعث می‌شود تا نعمت‌های الهی را نبیند و همواره به دنبال نداشته‌های خود باشد. از این رو نمی‌تواند شاکر نعمت‌های الهی باشد و از آنها کمال استفاده را ببرد.

مرگ اندیشی مثبت سبب می‌شود که انسان قناعت پیشه‌گردد و به بهره‌مندی اندک بسنده کند و رضایتش را نشان دهد. برای نمونه انسان مؤمن مرگ آگاه دچار اسراف و تبذیر نخواهد شد (زیرا که او می‌داند، روزی خواهد مُرد): «أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يَكْرِهُهُ فِي النَّاسِ وَ يَهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ؛ آگاه باشید بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده روی و اسراف است، ممکن است در دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد، اما در آخرت پست خواهد کرد، در میان مردم ممکن است گرامی‌اش بدارند، اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است»^{۷۹}.

امام علی (ع) در مورد نقش ماندگار یاد مرگ بر بیداری روح آدمی می‌فرماید: «وَمَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيَسِيرِ؛ و آن که یاد مرگ بسیار کند، از دنیا به اندک خشنود شود»^{۸۰} همین مطلب در جای دیگر با تغییری جزئی در الفاظ تکرار شده است. «مَنْ ذَكَرَ الْمَوْتَ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيَسِيرِ؛ آن که مرگ را در نظر داشته باشد، از دنیا به اندک خشنود شود»^{۸۱}

د) تحول اساسی در کیفیت زیست انسان

کارکرد دیگر مرگ اندیشی مثبت در سبک زندگی انسان، چگونه زیستن اوست. به عبارتی دیگر رعایت اخلاق در زندگی دنیوی مهمترین نماد مرگ اندیشی مثبت است. چنان که امروزه از اخلاق به عنوان ابزاری برای آسان نمودن همزیستی اجتماعی، کاهش جرم و جنایت استفاده می‌شود؛ اما در زندگی هدفمند و مرگ اندیشی مثبت، علاوه بر اینکه سبب ترقی اخلاقی و شکوفا شدن استعدادهای والای انسانی و رشد افراد جامعه می‌شود؛ با استفاده از ساختارهایی، کنترل اخلاقی را در جهت تعالی افراد پیش می‌برد از جمله:

نظام اخلاقی اسلام هم به حُسن فعلی توجه کرده و هم به حُسن فاعلی؛ نخست، باید عمل‌طوری باشد که ذاتاً نیکو بوده و ارزش تقرب بخشی انسان به سوی خدا را داشته باشد؛ بعلاوه دارای حُسن فاعلی باشد که وابسته به نیت است. لذا می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...»^{۸۲} امام صادق (ع) با استناد به این آیه می‌فرماید: منظور آیه عمل بیشتر نیست، بلکه عمل صحیح‌تر است. صحت یک فعل بستگی به ترس از خدا و نیت صحیح دارد. سپس فرمود: خلوص یک عمل را تا به پایان حفظ کردن، مشکل‌تر از خود عمل است. عمل خالص یعنی آنکه فقط کار را برای خشنودی خداوند انجام دهد، زیرا نیت برتر از عمل است^{۸۳}. حدیث شریف بیانگر آن است که معیار ارزش عمل کیفیت است نه کمیت و حقیقت عمل از آن جهت که باعث تقرب انسان به خدا می‌شود. همان جنبه‌ی باطنی و انگیزه درونی است، همچنین انگیزه مثبت دارای مراتبی

Aristotle

^{۷۸} ر.ک. ارستو، اخلاق نیکوماخوسی، ۱/ ۷۰-۵۰.

^{۷۹} نهج البلاغه، ۱۸۳/۱۲۶

^{۸۰} نهج البلاغه، ۴۹

^{۸۱} تمیمی آمدی، غررالحکم در الکلم، ۲۶

^{۸۲} ملک: ۲

^{۸۳} کلینی، الکافی، ۲/ ۱۵؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۵/ ۲۰۱

است که در روایات به آن اشاره شده که عبادت از روی میل و رغبت، عبادت تجار و از ترس کیفر و عقاب، عبادت بردگان و عبادت از سر عبودیت همان عبادت آزادگان است.^{۸۴}

ه) اجتناب از رذایل اخلاقی

به عنوان نمونه حضرت علی (ع) در نهی از بزرگترین رذیلت اخلاقی یعنی تکبر انسان را به منشاء پیدایش خویش توجه داده و بیان نموده اند: «عَجِبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُظْفَةً وَ يَكُونُ غَدًا جِيفَةً؛ در شگفتم از متکبر که دیروز نطفه بود و فردا مردار است!»^{۸۵} این بیان که پایان زندگی، مرگ است و جسم چون روح به جایگاه اصلی خود خواهد رسید، او را از قید رذایل اخلاقی همچون فخر فروشی و امتیازات دنیوی رها می سازد.

و) متعادل سازی آرزوها

غفلت از مرگ، سبب می شود تا ذات آدمی با آرزوهای کاذب، درگیر شود و نوعی تعلقات دنیوی ایجاد شود که این خود باعث نادیده گرفتن استعدادها و توانمندیهای وجودی انسان می شود - گرچه آرزو داشتن به خودی خود بد نیست - البته باید توجه داشت که اگر این آرزوها، مفید برای حیات مادی و معنوی باشند، زمینه ای برای عمل صالح فراهم خواهند کرد و اگر عیب باشند، معلول خیالات بی اساس اند، که موجب از دست رفتن نیروهای جسمی و روحی و تهی شدن دست آدمی از عمل می شوند. پس در این حیاتی که عمده عامل محرک آنها، امید و آرزوهای واقعی است، عقل حکم می کند که: در این آرزوها تعادل برقرار کرده و از آمال دور و دراز بپرهیزد. در غیر این صورت مرگ به سراغش خواهد آمد و دچار خسران خواهد شد. «أَوْ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ».^{۸۶}

۳.۴. نقش مرگ اندیشی مثبت در تغییر سبک زندگی خانوادگی

تأثیر مرگ اندیشی مثبت را می توان در متحول نمودن سبک زندگی خانوادگی به وضوح مشاهده نمود: اعتقادات دینی با معنابخشی به زندگی، زمینه انجام وظایف و تکالیف الهی توسط اعضای خانواده و بردباری در مقابله با مشکلات را فراهم می کنند تا بدین ترتیب ارکان خانواده مستحکم تر شود. باور داشتن مرگ، انسان را به این یقین می رساند که با صبر بر سختی ها، در زندگی اخروی خود به نعمت و آسایش پایدار خواهد رسید.

ا) نگرش هدفمند به زندگی خانوادگی

نداشتن هدف و بلا تکلیفی، بستر ساز بسیاری از تشویش ها در زندگی خانوادگی است. از دیگر فوائد مرگ اندیشی مثبت در خانواده، توجه به اهداف اساسی زندگی است که موجب ارتباط بیشتر اعضای خانواده و به ویژه همسران می شود. عدم اعتقاد به مرگ، موجب می شود خانواده به کارکردهای محدود زندگی خانوادگی اکتفا کند و در اثر نداشتن هدف، به تدریج متزلزل می شود. در تعالیم دین اسلام برای مرد و زن حقوقی تعیین شده است که با رعایت آنها، بسیاری از تنش ها و اختلافات کاسته شده و پایه های زندگی مستحکم تر می شود. اعتقاد به مرگ، جهان بینی متفاوتی به انسان می دهد و ترس از حساسی در روز بازپسین، سبب رعایت تقوی، کنترل نفس پرستی، انجام وظایف و تکالیف توسط زوجین می شود.

^{۸۴} شریف رضی، نهج البلاغه، ۵۱۰

^{۸۵} نهج البلاغه، ۱۲۶

^{۸۶} نهج البلاغه، ۷۷

باور به مرگ و معاد، افراد را به انجام عمل صالحی ترغیب می‌کند که شرط دستیابی به حیات طیبه است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: هرکس از مرد یا زن کارشایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] می‌بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد» توجه به دو نکته در این آیه قابل ذکر است:

- تبلور حیات طیبه در این دنیا است.

- و در دنیای دیگر پاداش در انتظار زندگی، همسران مؤمنی است که هرگونه مشکلات زندگی مشترک را با اعتقاد به معاد به راحتی پذیرا هستند.

ب) افزایش آستانه تحمل

یکی از محکم‌ترین ارکانی که کانون خانواده را استوار نگه می‌دارد، صبر و ازدیاد آستانه تحمل است. بر مبنای جهان‌بینی الهی، حیات آدمی، محدود به دنیا نیست و منافع و لذت‌های پایدار اخروی بر لذت‌های دنیوی مقدم است. با استناد به قرآن چنین انسانی در برابر مشکلات، بردباری را پیشه می‌کند. بیان داستان "آسیه" همسر فرعون، نمود بارزی برای مدعاست.

در حدیث آمده است همسری که در برابر اخلاق ناپسند زن یا شوهرش بردباری پیشه می‌کند، علاوه بر دریافت اجر اخروی، ارکان زندگی خویش را نیز محکم ترمی‌کند؛ چنان که پیامبر (ص) فرموده است: «هر مردی که بخاطر خدا و به امید پاداش او در برابرید اخلاقی همسرش صبر کند و آن را به حساب خدا گذارد، خداوند متعال برای هر روز و شبی که شکیبایی می‌ورزد، همان ثوابی را به او دهد که به ایوب (ع) در قبال بلایی که دید، عطا کند ...»^{۸۷}.

ج) احساس مسئولیت زوجین

یکی دیگر از آثار مثبت مرگ اندیشی در خانواده، احساس مسئولیت است. انسانی که به مرگ و معاد اعتقاد داشته باشد، همه دشواری‌های راه را، تحمل و از هر فرصتی استفاده می‌کند، تا اعمال صالح بیشتری انجام دهد. اعتقاد به مرگ در زوجین، تعهد آنها را به ادای وظایف و مسئولیت‌های خود افزایش می‌دهد؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست، حفظ کنید»^{۸۸} توجه به محاسبه اعمال در روز قیامت، در نظر گرفتن پاداش‌ها، نعمت‌ها و آسایش زندگی اخروی، سبب ایجاد انگیزه در همسران شده و آنان را برای فعالیت و کسب نعمت‌ها و پاداش تشویق می‌کند. چنین تشویق‌هایی نه تنها زوجین، بلکه دیگر اعضای خانواده را به یاری یکدیگر و در نتیجه استواری روابط میان‌شان هدایت و ارکان زندگی را محکم‌تر می‌کند.

د) اهتمام به تربیت معنوی فرزندان

گستره احساس مسئولیت زوجین، به ارتباط آن دو با یکدیگر محدود نیست، بلکه تربیت معنوی فرزندان نیز از مسئولیت‌های بزرگ آنان محسوب می‌شود. آگاهی دادن به فرزندان نسبت به حیات اخروی، به ویژه نعمت‌های ماندگار بهشت، آنها را به دنیای دیگر علاقمند می‌کند. یاد مرگ، محرک نیرومندی است که فرزندان را نه تنها به سوی ارزش‌ها و فضایل اخلاقی رهنمود می‌کند؛

^{۸۷} مجلسی، بحار الانوار، ۱۰۰/ ۲۴۷

^{۸۸} تحریم: ۶

بلکه استعداد های آنها را برای بهتر زیستن در دنیا و آخرت شکوفا می کند. امام علی (ع) نیز در سفارشی به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید: «يَا بُنَيَّ قَصِّرِ الْأَمَلَ وَادْكُرِ الْمَوْتَ وَارْزُقْ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكَ رَهِيْنُ مَوْتٍ وَغَرَضُ بَلَاءٍ وَطَرِيْحُ سَقَمٍ: فرزندم! آرزو هایت را کم کن و به یاد مرگ باش و در دنیا زهد و پارسایی پیشه کن؛ زیرا تو گروگان مرگ و آماج گرفتاری ها و زمین خورده بیماری ها هستی».^{۸۹}

با چنین نگرش مثبتی نسبت به مرگ، یک یک اعضای خانواده، دنیا را وسیله ای برای رسیدن به سعادت حقیقی قرار می دهند و در برابر تمایلات نفسانی مقاومت می کنند و نسبت به اعمال خود احساس مسئولیت نموده و هرگز مأیوس نمی شوند. هر چه متعقد به این اصول باشند، روابط خانواده استحکام بیشتری خواهد داشت. قرآن به این پاداش این گونه اشاره کرده است: «أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ... وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ: شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید... و این، همان بهشتی است که بخاطر اعمالی که انجام می دادید، وارث آن شده اید».^{۹۰}

۴.۴. نقش مرگ اندیشی مثبت در سبک زندگی سیاسی

مرگ اندیشی مثبت راهکار موثری برای افزایش تاب آوری انسان در مصائب و مشکلات حکومت اسلامی است، مشکلات و مصائب می تواند اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بلایای طبیعی و... باشند که در پرتو رهنمود های الهی و توکل بر خدا قابل برطرف شدن هستند. از جمله راهکار های الهی که می توان در اینجا بدان اشاره نمود، مقاومت و جهاد است؛ البته مقاومت و جهاد، مستلزم تحمل مشکلات و سختی هاست که انسان از آن می گریزد، آیات قرآن با تبیین نقش جهاد و پایداری در سعادت اخروی دید انسان را نسبت به آن اصلاح نموده و اهمیت آن را برای انسان ظاهر می کند؛ در نتیجه تحمل سختی ها و هزینه ی آن را آسان می نماید.

با استناد به این آیه می توان به اصلاح بینش افراد درباره مرگ و شهادت پرداخت. «قول» در «لا تقولوا» به معنای منطق و اندیشه است؛ زیرا قول ناشی از اعتقاد می باشد؛ یعنی اعتقاد و فکر شما در مورد شهیدان این چنین نباشد که آنها مرده اند^{۹۱} و در آیه دیگر فرمود: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ؛ نه تنها نگویید بلکه گمان هم نبرید».^{۹۲} طبق این آیات، نه تنها شهیدان ناکام نمی شوند، بلکه دارای حیاتی برتر از دیگران و برخوردار از روزی های خاص هستند. منظور از این حیات، حیاتی حقیقی است نه حیات وهمی که برخی از مفسران گمان کرده اند.^{۹۳} توصیف این حیات به مقام عنایت و روزی خاص، ویژه و ممتاز بودن آن را می رساند.

در واقع می توان به مهمترین پیامد مثبت مرگ اندیشی اذعان نمود که بندگان برگزیده الهی نه تنها از مرگ، هراسی به خود راه نمی دهند، بلکه در تمنّا و آرزوی آن بسر می برند و اشتیاق وافر به لقاء الله دارند. تا جایی که در آیه ۶ سوره جمعه نشانه راست آزمایی یهودیان، "تمنای مرگ" بیان شده است؛ زیرا که آنان خود را در ظاهر، اولیای الهی و از دیگران برتری دانستند، در حالی که در واقع این گونه نبودند. «فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ پس تمنای مرگ کنید، اگر راست می گوئید».

^{۸۹} مجلسی، بحار الانوار، ۷۰/ ۱۶۴

^{۹۰} زخرف: ۷۰

^{۹۱} جوادی آملی، دین شناسی، ۷/ ۶۰۷

^{۹۲} آل عمران: ۱۶۹

^{۹۳} ر.ک. طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱/ ۳۴۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱/ ۴۳۳

توضیح این نکته ضروری است که: در برخی از دعاها درخواست طول عمر مطرح شده؛ اما این مسئله منافاتی با تمنا مرگ ندارد؛ زیرا طلب طول عمر جهت کسب اعمال صالح بیشتر و فراهم آوردن توشه آخرت است و در صورتی که انسان از توشه آخرتش مطمئن باشد، دیگر دنیا برایش زندانی بیش نخواهد بود و همچون پرنده ای در قفس، شوق رهایی خواهد داشت؛ که این حالت را می توان در سلوک اولیای دین به وفور مشاهده نمود.

امروزه مشاهده می شود که توجه افراطی به زندگی دنیوی و تجمل گرایی، هدف اساسی زندگی است و اعمال انسان ها در جهت تلاش بیشتر برای کسب امور مادی و لذا ید دنیوی است. با این نوع نگرش که حاکم بردنیای امروز است از مرگ غافل شده و مرگ، نقش موثر تربیتی خود را از دست داده است و در پی عدم تفکر در مورد مرگ تصور جدیدی به وجود آمده که منجر به چالش های بزرگی چون اضطراب، افسردگی، خودکشی، دیگرجشی، تضعیف ارکان خانواده ها و سوء استفاده از قدرت و ثروت گردیده است. ختم کلام این نوشتار به سخنی از امام علی (ع) آذین می گردد، که فرمودند: «مَنْ صَوَّرَ الْمَوْتَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ هَانَ أَمْرُ الدُّنْيَا عَلَيْهِ؛ هر که چهره مرگ را در پیش چشمانش داشته باشد، کار دنیا بر او آسان شود».^{۹۴}

نتیجه گیری

مرگ یکی از مهمترین مخلوقات الهی است که به دلیل عدم دسترسی به ماهیت آن ضمن حیات به عنوان یکی از بزرگترین چالش های زندگی مطرح است. همین امر باعث شده است که انسان در رویارویی با موضوع مرگ اندیشی رویکردهای متضادی را پیشه سازد. دنیاگرایان با نگاه منفی و مأیوس کننده، اندیشیدن به مرگ را ناشی از عدم سلامت روان دانسته اند و در مقابل، آخرت گرایان به تبعیت از آموزه ها و فرامین الهی، با مواجهه ی صحیح و منطقی، مرگ اندیشی را امری سازنده و عاملی برای تغییر نگرش، کنش و سبک زندگی صحیح دانسته اند.

در این پژوهش به دلیل آن که در جهان امروز امر مقابله با اضطراب و هراس ناشی از مرگ اندیشی به روانشناسان سپرده شده است. ضروری دانسته شد که میان دو رویکرد مشهور روانشناسی ("روانکاوی" و "هستی گرایی") با اندیشه های قرآنی و روایات معصومین مقایسه ای تطبیقی به عمل آید.

لذا در مقایسه میان روانشناسی غیردینی و دنیانگر با رویکرد معاد باورانه در دین اسلام چنین نتایجی مشاهده شد:

۱- از میان رویکرد های متفاوت روانشناسی، موضوع مرگ و مرگ اندیشی، در دو دیدگاه روان کاوی و هستی گرا، بیشتر مورد اندیشه ورزی، قرار گرفته است.

۲- براساس دیدگاه روان کاوی، مرگ اندیشی پیامدهای منفی دارد که منجر به افسردگی، اضطراب و... می گردد.

۳- دیدگاه هستی گرا با وجود این که به (مرگ اندیشی) نگاه مثبتی دارد، ولی به دلیل عدم اعتقاد به سرای واپسین مرگ اندیشی را به همین دنیا محدود می نماید. بدین خاطر می توان دیدگاه آنان را در مقایسه با اسلام (منفی) بشمار آورد.

۴- از دیدگاه اسلام برخلاف رویکردهای مذکور، مرگ به معنای نیستی محسوب نمی شود، بلکه دارای مفهوم انتقال از عالمی به عالم دیگر است که طبق آیات قرآن (انشقاق: ۶؛ بقره: ۱۵۶؛ هود: ۴ و...) انسان در حال حرکت بسوی لقاء الله است.

۵- مرگ اندیشی و در نتیجه آن مرگ هراسی ازدیدگاه دنیاگرایی صرف، می تواند پیامدهای منفی مانند انگاری، افسردگی و مانند آن داشته باشد، ولی دردیدگاه دینی سبب پیامدهای مثبتی همچون تنبه و بیداری انسان و درنتیجه آن تلاش برای انجام بیشتر اعمال صالح می گردد.

۶- درآیات و روایات متعدد با شیوه های متنوعی به موضوع مرگ و مسائل پیرامون آن پرداخته شده است. دو شیوه بارز قرآن درتبیین این موضوع را می توان در: الف- تمثیل و تشبیه (تشابه مرگ و خواب - تمثیل مرگ به امور طبیعی)، ب- بیان قصص (اصحاب کهف - عزیر نبی (ع)) مشاهده نمود. درهمین راستا منابع حدیثی آکنده از روایات متعدد درباره مرگ و اندیشه ورزی نسبت به این امر بزرگ است.

۷- مرگ اندیشی در بُعد معرفتی - نگرشی شامل پیامدهای مهمی همچون تحول در نگرش ارزشی انسان و نیز زدودن حجاب ها از معرفت انسان است.

۸- مرگ اندیشی در بُعد کنشی - رفتاری پیامدهای بسیاری از جمله: اصلاح تعاملات فردی و اجتماعی، ایثار و از خود گذشتگی، بسندگی و ترک زیاده خواهی، تحول اساسی در کیفیت زیست انسان، اجتناب از رذایل اخلاقی و متعادل سازی آرزوها را به همراه دارد.

۹- تغییر و تحول در سبک زندگی انسان و چگونه زیستن وی در قالب زندگی خانوادگی و اجتماعی؛ که هدفمندی زندگی، بالارفتن آستانه تحمل، احساس مسئولیت زوجین و اهتمام به تربیت معنوی فرزندان و تداوم رشد ذریه ی صالح، از آن جمله است.

۱۰- مرگ اندیشی در سبک زندگی سیاسی و افزایش تاب آوری انسان در مقابله با مشکلات جامعه اسلامی نقشی اساسی ایفا می نماید و قادر است شهیدان بسیاری را در عرصه مقاومت تقدیم خداوند متعال سازد.

با توجه به پیامدهای گسترده بینشی، کنشی و اخلاقی، یادکرد مرگ در ابعاد مختلف با تأکید برآیات و روایات، بسیار خردمندانه و ضروری به نظر می رسد که این روش معرفتی - تربیتی جایگاه اصلی خود را ابتدا در زندگی فرد و سپس در نظام علمی و فرهنگی جامعه اسلامی باز یابد و به عنوان یک شیوه کارآمد مورد بهره برداری قرار گیرد؛ تا به دنبال آن پیامدهای مثبت و سازنده، در سلامت روحی و روانی افراد جامعه تأمین گردد؛ و به عنوان نمونه راهکار درمانی مؤثری در «پیامدهای سوگ» به روان درمانگران دینی معرفی گردد.

منابع

قرآن کریم

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. شرح نهج البلاغه. مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی. ۱۴۰۴ ق.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول. مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین. ۱۴۰۴ ق.

ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاییس اللغة. مصحح: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی. ۱۴۰۴ ق.

آزاده، محمد. «فلسفه و معنای زندگی» (مجموعه مقالات: گزینش و برگردان). تهران: نگاه معاصر. ۱۳۹۰ ش.

ارستو، اخلاق نیکوماخوسی. مترجم: دکتر سید عباس حسینی. تهران: انتشارات دانشگاه. ۱۳۷۸ ش.

بکر، ارنست. انکار مرگ. مترجم: افسانه شیخ الاسلام زاده. تهران: انتشارات دانژه. ۱۳۹۸ ش.

برک، لورا. روانشناسی رشد. مترجم: سیدیچی، محمدی. تهران: انتشارات ارسباران. ۱۴۰۳ ش.

پاینده، ابوالقاسم. نهج الفصاحه. اصفهان: نشر خاتم الانبیاء. ۱۳۸۵ ش.

تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد. غررالحکم و دررالکلم. مترجم: سید هاشم، رسولی محلاتی. چاپ ۲. تهران: دفتر انتشارات فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۸ ش.

جعفری، محمدتقی. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. (۲۷ جلد). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۵۷-۱۳۷۸ ش.

جوادی آملی، عبدالله. دین شناسی. قم: اسراء. ۱۳۸۴ ش.

جوهری، اسماعیل بن حماد. صحاح تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم للملایین. ۱۴۰۷ ق.

جیمز، ویلیام. تنوع تجربه دینی. مترجم: حسین، کیانی. تهران: انتشارات حکمت. ۱۳۹۴ ش.

حویزی، عبدالعلی بن جمعه. نورالثقلین. مصحح: هاشم، رسولی. قم: اسماعیلیان. ۱۴۱۵ ق.

حسینی تهرانی، محمدحسین. معادشناسی. تهران: انتشارات حکمت. ۱۳۶۱ ش.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ قرآن. دمشق: دارالقلم. ۱۴۱۲ ق.

شریف الرضی، محمدبن حسین. ترجمه نهج البلاغه. مترجم: دشتی، محمد. قم: انتشارات مشهور. ۱۳۷۹ ش.

شریف الرضی، محمدبن حسین. ترجمه نهج البلاغه. مترجم: سیدجعفر، شهیدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۹۲ ش.

صبحی، صالح. نهج البلاغه. قم: مرکز البحوث الاسلامیه. ۱۳۷۴ ش.

صلیبا، جمیل. فرهنگ فلسفی. مترجم: منوچهر، صانعی دره بیدی. چاپ اول. تهران: انتشارات حکمت. ۱۳۶۶ ش.

طباطبایی، محمدحسین. تفسیرالمیزان. مترجم: محمدباقر، موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی. ۱۳۷۴ ش.

طباطبایی، محمدحسین. بدایه الحکمه. قم: موسسه النشرالاسلامی. ۱۴۲۰ ق.

طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. مصحح: فضل الله، یزدی طباطبایی و هاشم، رسولی. تهران: ۱۳۷۲ ش.

فخررازی، محمدبن عمر. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دارالحیاء. التراث العربی. ۱۴۲۰ ق.

فیض کاشانی، محمدبن مرتضی. تفسیر الصافی. مصحح: حسین، اعلمی. تهران: مکتبه الصدر. ۱۴۱۵ ق.

فیومی، احمدبن محمد. المصباح المنیر. قم: موسسه دار الهجره. ۱۴۱۴ ق.

فروید، زیگموند. ۱۹۲۰ م. فراسوی اصل لذت. مترجم: هوشمند، ویژه. تهران: انتشارات بهجت. ۱۴۰۰ ش.

فروید، زیگموند. «ورای اصل لذت» مترجم: یوسف ابازری، فصلنامه ارغنون، ش ۲۷ و ۲۶. ۱۳۸۱ ش.

فرانکل، ویکتور. انسان در جست و جوی معنا، مترجم: نهضت، صالحیان و مهین، میلانی. چاپ چهارم. بی جا: شرکت نشر و پخش ویس. ۱۳۸۸ ش.

قرطبی، محمد بن احمد. الجامع لاحکام القرآن. بیروت: دارالفکر. ۱۳۶۴ ش.

قمی، عباس. منتهی الآمال. تهران: مبین اندیشه. ۱۳۹۰ ش.

کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. مصحح: علی اکبر، غفاری و محمد، آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۴۰۷ ق.

مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار. بیروت: موسسه الوفاء. ۱۴۰۵ ق.

مدرس، محمدتقی. تفسیر هدایت. مترجم: احمد، آرام. مشهد: آستان قدس رضوی. ۱۳۷۷ ش.

مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۶۰ ش.
مطهری، مرتضی. زندگی جاوید یا حیات اخروی. چاپ ۷. تهران: انتشارات صدرا. ۱۳۷۲ ش.
معین، محمد. فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۴ ش.
مهدوی. سید سعید. نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن. قم: انتشارات بوستان کتاب. ۱۳۸۱ ش.
یالوم، آروین. مسئله مرگ و زندگی. مترجم: سپیده، حبیب. تهران: انتشارات قطره. ۱۳۹۰ ش.
یانگ، جولیان. «مرگ و اصالت». مترجم: محمد سعید، حنایی کاشانی. مجله ارغنون. ش ۲۶ و ۲۷. (بهار و تابستان ۱۳۸۴):
۲۹۵-۳۰۶.
یونگ؛ کارل گوستاو. «در باب باز تولد» مترجم: فرزین، رضاعی. مجله ارغنون، ش ۲۶ و ۲۷ (بهار و تابستان ۱۳۸۴): ۱۷۵-۱۹۶.

نسخه
پیش
انتشار